

## بررسی سازمانهای تجارت منتخب آسیا (با کاربرد مدل جاذبه)

دکتر سید ابراهیم حسینی نسب\* سمیرا متقی\*\*

افشین متقی\*\*\*

تاریخ ارسال: ۱۳۸۸/۹/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۶/۴

### چکیده

همزمان با رشد جهانی سازی ترتیبات تجاری منطقه‌ای در سطح وسیعی گسترش یافت. اهمیت این موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای به اندازه ای بود که حتی مناطق در حال توسعه نیز، ترتیبات منطقه‌ای را به عنوان راه‌حلی برای تجارت خارجی و روشی برای حفظ منافع مشترک گروه‌های منطقه‌ای در مقابل دشواری‌های ناشی از پیوستن به اقتصاد جهانی بر می‌شمردند. هدف از تشکیل موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای، کاهش موانع تعرفه‌ای در راستای افزایش رفاه می‌باشد. اما مذاکراتی که در این میان مطرح است بیان‌کننده این است که آیا، شکل‌گیری این اتحادیه‌ها بالاخص در مناطق در حال توسعه در راستای هدف افزایش تجارت بین کشورهای عضو آنها بوده است و همچنین آیا افزایش تجارت بین کشورهای عضو، پدیده "ایجاد تجارت" شکل می‌گیرد و چنانچه آن منطقه می‌شود یا خیر؟ چنانچه موافقت‌نامه تجاری باعث افزایش تجارت بین کشورهای عضو شود، پدیده "ایجاد تجارت" شکل می‌گیرد. ایجاد تجارت بر بهبود رفاه و انحراف تجارت بر کاهش رفاه دلالت پیدا می‌کند. در این مقاله برای بررسی ایجاد و انحراف تجارت، سازمانهای منطقه آسیا را به عنوان نمونه یک منطقه در حال توسعه در نظر می‌گیریم و با بررسی سه موافقت‌نامه تجاری اکو، آسه آن و جی سی سی، که به نظر می‌رسد کشورهای عضو آنها ترکیب اقتصادی مشابهی با کل کشورهای منطقه آسیا دارند، روند تجارت در این سازمانها را مورد بحث و تجزیه-تحلیل قرار می‌دهیم. نهایتاً با استفاده از یک مدل جاذبه تعمیم یافته، داده‌های مورد استفاده در این تحقیق را که شامل ۲۶ کشور عضو این سه سازمان می‌باشند و دوره زمانی ۲۰۰۶-۲۰۰۲ را در بر می‌گیرند، تخمین می‌زنیم. نتایج نشان می‌دهد که در این دوره زمانی هر سه سازمان منتخب منطقه آسیا، با انحراف تجاری روبرو بوده‌اند.

واژگان کلیدی: ایجاد و انحراف تجارت، ترتیبات تجارت منطقه‌ای، مدل جاذبه، رفاه

طبقه بندی JEL: F۱۵ , F۱۵ , F۰۲

Email: [ehoseinie@yahoo.com](mailto:ehoseinie@yahoo.com)

Email: [Samira.motaghi@gmail.com](mailto:Samira.motaghi@gmail.com)

Email: [Afshin\\_mottaghi@yahoo.com](mailto:Afshin_mottaghi@yahoo.com)

\* استادیار دانشگاه تربیت مدرس، علوم اقتصادی

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس، علوم اقتصادی

\*\*\* دانشجوی دکتری دانشگاه تهران، جغرافیای سیاسی

این مقاله به دنبال یافتن جواب این پرسش است که آیا شکل گیری همکاری های سازمان همکاری اقتصادی<sup>۲</sup> (ا.ک.و)، اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا<sup>۳</sup> (آ.سه.آن) و شورای همکاری خلیج فارس<sup>۴</sup> (جی.سی.سی) در راستای هدف افزایش تجارت بین کشورهای عضو آنها بوده است یا خیر. که این مهم توسط یک مدل جاذبه با بررسی سازمان های یاد شده صورت می پذیرد. جنبه جدید بودن کار بررسی روند تجاری سازمانهای منطقه ای آسیا با استفاده از یک مدل جاذبه تعمیم یافته می باشد.

چنانچه موافقت نامه تجاری باعث افزایش تجارت میان کشورهای عضو شود، پدیده " ایجاد تجارت"<sup>۵</sup> شکل میگیرد به عبارت دیگر در این حالت انتظار می رود که پس از تشکیل بلوک تجاری، به دلیل اختلاف هزینه های تولید بین تولید کنندگان داخلی و تولید کنندگان درون بلوک تجاری، تجارت بین کشورهای عضو گسترش پیدا کند. بدین ترتیب مصرف کنندگان کشور، به جای خرید گران از تولید کنندگان داخلی، به سمت عرضه کنندگان دارای قیمت پایین در بین کشورهای عضو بلوک می روند. از طرفی بر اساس نظریه های تجارت بین الملل، چنانچه افزایش تجارت به هزینه کاهش آن برای کشورهای غیر عضو باشد پدیده " انحراف تجارت"<sup>۶</sup> شکل می گیرد. به دیگر بیان، در شرایط تشکیل یک بلوک تجاری مصرف کنندگان کشورهای عضو، از هزینه های پایین تر عرضه کنندگان در بازار جهانی (کشورهای غیر عضو) محروم شده و هزینه های بالای تولید کنندگان درون بلوک به آن ها تحمیل می شود. این هزینه ها به ویژه اگر کشورها بعد از عضویت در بلوک محدودیتهای تجاری تبعیضی علیه کشورهای غیر عضو را افزایش دهند، تشدید می شود. در زمینه تأثیر ایجاد و انحراف تجارت بر همگرایی های منطقه ای نظرات متفاوتی وجود دارد از جمله:

واینر<sup>۷</sup> (۱۹۵۰)، پیشتر ارائه نظریه اتحادیه گمرکی، با بیان مفهوم ایجاد و انحراف تجاری مطرح کرد که نمی توان نظر قاطعی در مورد تأثیرات کلی این ایجاد و انحرافات تجاری بر رفاه داد. لپسی<sup>۸</sup> (۱۹۵۷) و گهرلز<sup>۹</sup> (۱۹۵۶) نیز با استفاده از یک مدل تعادل عمومی نشان دادند که در شرایطی اثر انحراف تجارت ممکن است افزایش رفاه داشته باشد. این در حالی بود که این دانشمندان، تجارت آزاد را بر اتحادیه گمرکی برتری می دادند. اما پژوهشگران دیگری مانند وونوکات<sup>۱۰</sup> (۱۹۸۱) نشان دادند که تحت شرایطی که کشورهای ثالث تعرفه وضع می کنند و هزینه های حمل و نقل نیز وجود داشته باشد، اتحادیه گمرکی با طرح یکپارچگی می تواند برتر از تجارت آزاد باشد. پژوهشگران دیگری مانند کوپر و ماسل (۱۹۶۵) تحت شرایطی اتحادیه گمرکی را منجر به نفع خالص و در نتیجه رفاه می دانند و در شرایطی این اتحادیه را عامل ایجاد انحراف تجارت مطرح می کنند. (کوپر و سایرین، ۱۹۶۵، ۴۷۵-۴۷۴) و ال اگرا (۱۹۹۹) بیان می کند که ممکن است برخی کشورها از تشکیل اتحادیه گمرکی زیان ببینند. (El- Agra, opcit. P: ۱۱۶). تحلیل فوق، در مورد تأثیر ایجاد و انحراف تجارت اثرات یک بازار خاص در یک کشور عضو اتحادیه را مورد مطالعه قرار می دهد. اما واقعیت

<sup>۲</sup>. Economic cooperation organization

<sup>۳</sup>. Association of South East Asian Nation

<sup>۴</sup>. Gulf Cooperation Council

<sup>۵</sup>. Trade creation

<sup>۶</sup>. trade diversion

<sup>۷</sup>. Viner

<sup>۸</sup>. Lipsey

<sup>۹</sup>. Gehrles

<sup>۱۰</sup>. Wonnocot

این است که یک اتحادیه گمرکی، مجموعی از چندین کشور و چندین بازار است که تشکیل اتحادیه بر روی همه آنها تأثیر می گذارد. پس می توان تصور نمود که کشوری که وارد یک اتحادیه گمرکی می شود، ممکن است دربرگیرنده بازارهای وارداتی ای باشد که با ایجاد تجارت روبرو هستند از طرفی با بازارهایی روبرو باشد که در آن ها انحراف تجارت صورت می گیرد. واگر ایجاد تجارت بیش از انحراف تجارت باشد، در این صورت اتحادیه گمرکی منجر به افزایش رفاه می شود. در مقابل، اگر انحراف تجارت بیش از ایجاد تجارت باشد، احتمال کاهش رفاه وجود دارد. پس مشخص می شود که هر تشکیل اتحادیه ای به افزایش رفاه منجر نمی شود بلکه در برخی موارد تشکیل اتحادیه گمرکی برای برخی از کشورهای عضو آن، حتی زیان آور نیز می باشد و به همین علت در این مقاله تلاش می شود تا ایجاد یا انحراف تجارت در این سازمانها مورد بررسی قرار گیرد.

## ۲- مروری بر مطالعات قبلی

مدل جاذبه که بر گرفته از مدل جاذبه نیوتون است، بیان می کند که جریانهای تجارت دو جانبه به طور مثبت به اثر اندازه های اقتصادی دو کشور و به طور منفی به مسافت بین آنها بستگی دارد. بررسی مطالعات انجام گرفته در این زمینه می تواند در شناخت بیشتر موضوع مورد بحث و بررسی آن مؤثر باشد.

الف- کارهایی که توسط اندرسون (۱۹۷۹)<sup>۱۱</sup>، هلپمن و کروگمن (۱۹۸۵)<sup>۱۲</sup> و برگسترند (۱۹۸۵ و ۱۹۸۹) انجام شد، نشان داد که معادله جاذبه می تواند در مدل های تجارت با کالاهای متمایز به کار رود، بطوری که تمایز تولید می تواند از طریق کشور مبدأ، مقیاس اقتصادی، تفاوت در موجودی عوامل تولید و یا تکنولوژی به وجود آیند. اگرچه دلایل تمایز تولید ممکن است متفاوت باشند ولی به هر حال می توانند یک نیروی جاذبه را به وجود آورند.

ب- جان مک و کالوم<sup>۱۳</sup> (۱۹۹۵) برای بررسی همگرایی اقتصادی کانادا و ایالات متحده از الگوی جاذبه ای استفاده کرد و در آن، لگاریتم صادرات کالا از منطقه آبه منطقه ز را به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفت،  $Y_i$  و  $Z_j$  را لگاریتم فاصله بین مناطق  $i$  و  $j$  و  $Dummy_{ij}$  را متغیر مجازی با ارزش یک برای تجارت میان ایالت های داخلی و ارزش صفر برای ایالت های دو کشور کانادا و ایالات متحده در نظر گرفت. وی در ادامه مطالعه، متغیر جمعیت را برای دو منطقه  $i$  و  $j$  وارد الگو کرد و نشان داد که این متغیر، اثر زیادی از خود بروز می دهد. او که ۱۰ ایالت کانادا و ۵۰ ایالت از ایالات متحده را مورد بررسی قرار داده به این نتیجه رسید که همگرایی FTA تأثیر زیادی بر تجارت کانادا داشته و نه تنها تجارت میان ایالت های داخلی کانادا را کاهش نداده، بلکه این تجارت، بیشتر از ۲۰ برابر شده است. به عبارت دیگر کالوم ایجاد تجارت را در همگرایی کانادا و ایالات متحده نتیجه گرفت.

ج- فینسترا و همکاران (۱۹۹۸)<sup>۱۴</sup> معادله جاذبه ای را از یک مدل دامپینگ دو طرفه تجارت با کالاهای همگن به کاربردند. در دورف (۱۹۹۸) نیز پایه تئوریک مدل جاذبه را کامل نمود. به این صورت که نشان داد این معادله با مدل تجارت هکشر - اوهلین در کالاهای همگن با رقابت کامل سازگار است. البته فینسترا و همکاران (۲۰۰۱) نشان دادند که گرچه می توان معادله جاذبه را برای کالاهای همگن و متمایز به دست آورد ولی به دلیل وجود تئوری های بنیادی متفاوتی که برای این معادله وجود دارد، در نتیجه منجر به تخمینها و مقادیر پارامترهای کلیدی متفاوتی می شود.

<sup>۱۱</sup>. Anderson

<sup>۱۲</sup>. Helpman and Krugman

<sup>۱۳</sup>. Mc Callum (۱۹۹۵)

<sup>۱۴</sup>. Feenstra et al

در ۱۹۹۹ بوقیز و همکارانش<sup>۱۵</sup> برای بررسی اثرات هزینه‌ها و زیرساخت‌های مرتبط با حمل و نقل بر جریان تجارت، از متغیرهای فاصله جغرافیایی بین دو کشور، طول شبکه بزرگراهها و موجودی سرمایه‌های عمومی بهره‌گرفته‌اند (همچنین آنها هر دو متغیرها را بر فاصله جغرافیایی بین دو کشور تقسیم کرده و به صورت متغیرهای مجزا وارد مدل کرده‌اند). که این مدل را برای دو مجموعه داده از کشورهای توسعه‌یافته، مدلهایی را تخمین زدند. و چنانچه انتظار می‌رفت، ضریب فاصله جغرافیایی میان کشورها در تخمین مدل‌های آنها، منفی شد که بیانگر این است که هرچه فاصله جغرافیایی بیشتر باشد یعنی هزینه‌های حمل و نقل بالاتر است و اثرش بر جریان تجارت منفی می‌باشد.

در همین سال سولوگا و ویترز<sup>۱۶</sup> (۱۹۹۹) با استفاده از یک الگوی جاذبه تعمیم یافته به مطالعه توافقات ترجیحی جدیدی که از اوایل دهه ۹۰ آغاز شده می‌پردازند. این دو پژوهشگر علاوه بر استفاده از متغیرهای اصلی مدل جاذبه از متغیرهای مجازی مجاورت، مشابهت‌های فرهنگی و همگرایی که برای حجم جریان‌های تجاری داخل همگرایی و خارج همگرایی استفاده کردند. این الگو برای دوره زمانی ۱۹۸۰-۱۹۹۶ به طور سالیانه، با استفاده از ۱۷ معادله رگرسیون تخمین زده شد و نتایج حاصل نشان داد که هیچ شواهد معنی‌داری مبنی بر اینکه موج جدید منطقه‌گرایی تجارت داخلی بلوک را به طور محسوس افزایش داده باشد، وجود ندارد. اگرچه نتایج به دست آمده برای سالهای پس از آغاز دهه ۱۹۹۰ از قبل آن متفاوت بوده و تفاوت‌هایی را نشان می‌دهند.

از طرفی چنگ و وال<sup>۱۷</sup> (۱۹۹۹) به مسئله کنترل ناهمگنی در الگوهای جاذبه پرداخته و مطرح می‌کنند که برآورد الگوی جاذبه در روش‌های معمول نتایج اریب‌دار را حاصل می‌کنند. زیرا، در برآوردهای این گونه تعدادی متغیرهای حذف شده وجود دارند و یا تعدادی از متغیرها عملاً در نظر گرفته نمی‌شوند. در نتیجه، ناهمگنی میان کشورهای شریک در نظر گرفته نشده است. این پژوهشگران به منظور رفع این مشکل از روش برآورد داده‌های گروهی استفاده کردند، که الگوی اثرهای ثابت را حاصل می‌کند و اثرهای ناهمگنی و انفرادی مربوط به کشورهای شریک را کاملاً در نظر می‌گیرد. افزون بر این، نتایج حاصل از این روش، کارایی بالاتری را نشان می‌دهند و از قدرت توضیح‌دهندگی بالایی نیز برخوردار هستند.

ج - زارز و سو و لهما (۲۰۰۰)<sup>۱۸</sup> در یک شکل تصریح شده از مدل جاذبه تجاری، جریان تجاری بین دو کشور  $\alpha$  (زرا تابعی از متغیرهای اندازه اقتصادی ( $GDP_i$  و  $GDP_j$ ))، جمعیت ( $N_i$  و  $N_j$ )، فاصله و متغیرهای مجازی ( $A_{ij}$ ) به عنوان توضیح‌دهنده مجاورت، ترتیبات تجاری و قراردادهای همکاری اقتصادی و فرهنگی در رابطه زیر در نظر گرفتند.

د- لیما و ونابلز<sup>۱۹</sup> (۲۰۰۱)، برای بررسی رابطه بین هزینه‌های حمل و نقل و حجم تجاری، از مدل جاذبه استفاده کرده و به این نتیجه رسیدند که اگر حمل و نقل از وضعیت خوبی برخوردار نباشد، هزینه‌ها بالاتر می‌روند.

همچنین در مطالعه اونت و کلر (۲۰۰۲) تأکید شده است که پیش‌بینی جاذبه نتایج بسیار مهمی درباره حجم تجارت بین‌المللی ارائه می‌کند.

ر- WTO با همکاری UNCTAD در سال ۲۰۰۳، با استفاده از مدل جاذبه به منظور محاسبه پتانسیل تجاری بین کشورهای در حال توسعه مطالعه‌ای انجام داده؛ که در این مطالعه، برای بررسی عوامل مؤثر بر پتانسیل‌های تجاری بین این کشورها متغیرهای

<sup>۱۵</sup>. Bougheas et al (۱۹۹۹)

<sup>۱۶</sup>. Sologa & Winters (۱۹۹۹)

<sup>۱۷</sup>. Cheng & Wall (۱۹۹۹)

<sup>۱۸</sup>. Zarzoso & Lehmann (۲۰۰۰)

<sup>۱۹</sup>. Limao, N.A. Venables (۲۰۰۱)

زیادی را مانند تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت، عوامل فرهنگی (زبان مشترک) و متغیرهایی که در برگرنده زیرساخت ها و هزینه های حمل و نقل باشد مانند (جاده های آسفالتی، مرز مشترک، خطوط تلفن سرانه و متغیر مجازی تجارت ترانزیتی) را به کار برده اند. در این مدل تعداد زیادی از این متغیرها به دلیل وجود همبستگی با یکدیگر از مدل حذف شده اند و در نهایت با استفاده داده های ترکیبی مدل قابل قبولی را با  $R^2 = 62\%$  درصد در سطح  $95\%$  بدست آوردند. در این مدل از فاصله جغرافیایی و داشتن مرز مشترک (بعنوان نماینده ای که وضعیت حمل و نقل و هزینه های مرتبط با آن را بر پتانسیل های تجاری مشخص می کند) تراکم جمعیت در دو کشور  $i$  و  $j$  (به ترتیب  $Dens_i$  و  $Dens_j$ )، نرخ سواد در کشور  $i$  ( $Literacy_i$ )، موجودی سرانه سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشور  $i$  ( $FDI_i$ )، تفاوت زبان در کشور  $i$  ( $Langdiv_i$ )، معیار ورود به بازار دو جانبه ( $Traiff_{ij}$ ) و فرهنگ مشترک ( $Culi_j$ ) استفاده شده و متغیرهای دیگر که همان متغیرهای اصلی مدل جاذبه اند که در بالا به آنها اشاره شده است - با مشاهده ضرایب مدل بالا می توانیم میزان عوامل اثرگذار بر پتانسیل های تجاری را به وضوح مشاهده کنیم. دنگ شینگ هانگ (۲۰۰۳) با استفاده از مدل جاذبه، بلوک های تجاری در آسیای شرقی را مورد بررسی قرار داد. نتایج استاندارد برای مدل جاذبه، مانند اثرات مثبت GDP و GDP سرانه، مرز مشترک و اثر منفی فاصله حمل و نقل روی اندازه تجارت دو جانبه به اثبات رسید.

### ۳- بررسی وضعیت اقتصادی - تجاری سازمانهای منطقه ای مذکور

۳-۱- سازمان همکاری های اقتصادی (اکو)<sup>۲۱</sup>

۳-۱-۱- تولید ناخالص داخلی ۲۲

در میان شاخص های اقتصاد کلان، تولید ناخالص داخلی از اهمیت ویژه ای برخوردار است زیرا نه تنها به عنوان مهم ترین شاخص عملکرد اقتصادی در تجزیه تحلیل ها و ارزیابی ها مورد استفاده قرار می گیرد، بلکه بسیاری از دیگر اقلام کلان اقتصاد محصولات جنبی محاسبه و برآورد آن محسوب می گردند به همین دلیل ما این شاخص را برای بررسی وضعیت اقتصادی مناسب دیدیم. تولید ناخالص داخلی در کشورهای عضو اکو بین سالهای ۲۰۰۵-۲۰۰۷ به صورت زیر می باشد. (افغانستان در آمار کل که مربوط به سازمان اکو است محسوب شده است که صحت اطلاعات مربوط به سازمان حفظ شود.)

<sup>۲۰</sup>. Deng-Shing Huang

<sup>۲</sup>. WWW.ecosecretariat.org & ECO Bulletin on Environment&WDI

<sup>۳</sup>. Gross domestic product based on purchasing-power-parity (ppp)valuation of country GDP-

جدول ۱: تولید ناخالص داخلی در کشورهای عضو اکو

(ارقام به میلیارد دلار است)

نام کشورهای عضو	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷
آذربایجان	۳۸.۳۷۶	۵۱.۷۱۳	۶۵.۵۲۳
قزاقستان	۱۳۱.۷۶۵	۱۵۰.۵۶۳	۱۶۸.۳۷۸
پاکستان	۳۴۰.۳۰۱	۳۷۵.۵۷۲	۴۱۰.۲۹۵
ایران	۶۳۴.۵۶۳	۶۹۳.۳۱۷	۷۵۷.۴۸۴
تاجیکستان	۹.۶۷۴	۱۰.۶۸۵	۱۱.۸۲۹
قرقیزستان	۸.۸۸۷	۹.۴۵۷	۱۰.۵۰۸
ترکیه	۷۴۷.۳۲۶	۸۲۴.۵۷۸	۸۸۵.۹۰۵
ازبکستان	۵۱.۵۴۹	۵۷.۰۹۴	۶۴.۲۰۱
ترکمنستان	۲۰.۳۵۳	۲۳.۴۰۴	۲۶.۸۲۲
سازمان اکو	۱۹۹۸.۵۱	۲۲۱۳.۹۳۸	۲۴۲۱.۰۴۸
کل جهان	۵۶۰۴۳.۱۱	۶۰۷۳۹.۹۸	۶۵۴۲۳.۸۷

مأخذ: یافته های تحقیق

تولید ناخالص داخلی سازمان اکو بین سالهای ۲۰۰۷-۲۰۰۵ به طور میانگین ۲۲۱۱.۱۶۷ میلیارد دلار بوده است که در مقابل مقدار میانگین جهانی ۶۰۷۳۹.۶۵۳ تقریباً ۳٪ از کل تولید ناخالص داخلی جهانی می باشد. واضح است این درصد از GDP برای سازمانی مانند اکو که کشورهای عضو آن از منابع غنی و بکر معدنی برخوردارند، مقدار بسیار ناچیزی می باشد. البته همانطور که از آمار جدول ۱ مشخص است<sup>۳۱</sup>، بیشترین میزان GDP(PPP) این سازمان در این سالها نیز، مربوط به کشورهای اصلی تشکیل دهنده سازمان یعنی ترکیه، ایران و پاکستان می باشد و تقریباً سایر کشورهای عضو از تولید ناخالص داخلی پایینی برخوردارند. در سالهای مذکور کشورهای قرقیزستان و تاجیکستان نیز از کمترین میزان GDP در گروه برخوردار می باشند. با این حال GDP در این سالها برای کل کشورهای عضو روند فزاینده ای را داشته است.

۳-۱-۲- حجم تجارت کل سازمان

میزان کل تجارت سازمان اکو توسط جدول ۲ مشخص شده است. بر اساس آمار موجود، میزان کل تجارت (صادرات + واردات) کشورهای عضو سازمان در طول دو سال به صورت میانگین ۴۴۴ میلیارد دلار می باشد که به نظر می رسد علی رغم موقعیت انحصاری جغرافیایی اکو به عنوان نقطه تماس سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا، این مبلغ در مقابل تجارت صورت گرفته در کل جهان که تقریباً ۳۴۰۱۲ می باشد، مبلغ بسیار ناچیزی (حدود ۱٪ از کل تجارت جهانی) می باشد. بعلاوه در هر کدام از سالهای ۲۰۰۶ و ۲۰۰۵، میزان صادرات کلی اکو از میزان وارداتش کمتر بوده است که این عامل نشان دهنده این است که کشورهای عضو سازمان بیشتر

وارد کننده هستند تا صادرکننده و بنابراین این سازمان با کسری تراز تجاری روبرو بوده است. همانطور که از آمار مشخص است بیشترین میزان صادرات و واردات در گروه مربوط به کشورهای اصلی تشکیل دهنده سازمان می باشد.

جدول ۲: کل تجارت (صادرات، واردات) در کشورهای عضو اکو

(ارقام به میلیون دلار است)

نام کشورهای عضو	تجارت	۲۰۰۵	۲۰۰۶
آذربایجان	واردات	۸۵۵۸	۵۲۶۷.۶
	صادرات	۸۰۹۶	۶۳۷۲.۲
ایران	واردات	۴۰۹۶۹	n/a
	صادرات	۶۰۰۰۱۲	n/a
قزاقستان	واردات	۱۷۳۵۲.۵	۲۳۶۷۶.۹
	صادرات	۲۷۸۴۹	۳۸۲۵۰.۴
قرقیزستان	واردات	۱۱۰۱.۳	۱۷۱۸.۲
	صادرات	۶۷۲	۷۹۴.۱
پاکستان	واردات	۲۵۳۳۱	۳۰۵۴۰
	صادرات	۱۵۹۱۷	۱۶۹۷۶
تاجیکستان	واردات	۱۳۳۰	۱۷۲۵.۴
	صادرات	۹۰۹	۱۳۹۹
ترکیه	واردات	۱۱۶۷۷۴	۱۳۹۵۷۶
	صادرات	۷۳۴۷۶	۸۵۵۳۵
ترکمنستان	واردات	۴۳۶۴	۲۵۵۷.۷
	صادرات	۶۱۷۴	۷۱۵۵.۵
ازبکستان	واردات	۴۰۹۱.۳	۴۷۸۱.۶
	صادرات	۵۴۰۸.۸	۶۳۸۹.۸
کل منطقه اکو	واردات	۲۲۲۳۴۲.۱	۲۷۵۱۸۷
	صادرات	۱۹۸۸۹۷.۸	۱۹۲۰۸۸
	تراز تجاری	-۲۳۳۴۴.۳	-۸۳۰۹۹.۴

مأخذ: یافته های تحقیق

### ۳-۱-۳- حجم تجارت درون منطقه ای

توسعه روز افزون تجارت در سطح جهانی کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی اکو را به سمت سازماندهی در زمینه ایجاد بستر و شرایط حقوقی مناسب جهت هدایت تجارت درون منطقه ای در راستای رشد تجارت برون منطقه ای رهنمون شد به طوری که جهت گسترش روابط تجاری و همکاری های اقتصادی در سطح منطقه، به سمت تصویب موافقتنامه های تجاری در این زمینه پیش رفتند. همان طور که از آمار جدول مشخص است، بیشترین واردات از کل کشورهای سازمان در سال های مذکور، مربوط به کشور ترکیه با ۴۵ درصد و بعد از آن ایران با ۱۷.۵ درصدی باشد. از طرفی کشور ایران در این سالها بیشترین صادرات (۳۲) را به کشورهای عضو سازمان داشته است. با مقایسه جداول ۲ و ۳ در مورد کل تجارت کشورهای عضو اکو و تجارت درون منطقه ای آنها با همدیگر، به وضوح مشخص است که نسبت صادرات و واردات انجام شده درون کشورهای عضو به کل صادرات و واردات این کشورها بسیار ناچیز بوده و درصد بسیار محدودی از کل تجارت (صادرات + واردات) درون منطقه صورت می گیرد. (حدود ۷٪)



جدول ۳: حجم تجارت درون منطقه ای کشورهای عضو اکو  
با سایر کشورهای عضو (۲۰۰۵-۶)

(ارقام به میلیون دلار است)

نام کشورهای عضو	سال	کل سازمان اکو		درصد تجارت از کل تجارت صورت گرفته	
		واردات	صادرات	واردات	صادرات
آذربایجان	۲۰۰۵	۹۷۴.۵	۱۱۰۰	۸	۷
	۲۰۰۶	۹۹۶.۹	۹۷۷.۱	۶	۴.۷
ایران	۲۰۰۵	۲۶۵۵	۴.۱۲۵.۰۰	۲۱	۳۰
	۲۰۰۶	۲۳۰۱.۱	۷.۲۵۱.۶۰	۱۴	۳۴
قزاقستان	۲۰۰۵	۸۷۸.۹	۱۹۷۴.۲	۷	۱۴
	۲۰۰۶	۱۲۸۱.۱	۳۶۶۳	۸	۱۶
قرقیزستان	۲۰۰۵	۲۹۱.۸	۱۹۵.۴	۲	۱
	۲۰۰۶	۳۴۲.۷	۳۲۹.۷	۲	۱
پاکستان	۲۰۰۵	۶۳۴	۱۵۳۲.۸	۵	۱۰
	۲۰۰۶	۷۱۰.۲	۱۵۷۴.۳	۴	۷
تاجیکستان	۲۰۰۵	۵۶۴.۹	۲۸۲.۵	۴	۲
	۲۰۰۶	۶۶۶.۴	۶۴۶.۲	۴	۳
ترکیه	۲۰۰۵	۵.۰۹۷.۳۰	۲۶۵۰.۴۰	۴۰	۱۸
	۲۰۰۶	۸۱۰.۱۶	۳.۳۴۱.۰۰	۵۰	۱۵
ترکمنستان	۲۰۰۵	۵۱۳.۱	۵۴۵.۶	۴	۳
	۲۰۰۶	۲۰۲.۴	۱۱۱۶	۳	۵
ازبکستان	۲۰۰۵	۵۵۲.۷	۱۵۴۵.۷	۴	۱۱
	۲۰۰۶	۶۸۱.۸	۲۰۰۵.۵	۴	۹
کل سازمان اکو	۲۰۰۵	۱۲۱۶۲.۲	۱۲۸۶۲.۶	۱۰۰	۱۰۰
	۲۰۰۶	۱۵۵۸۴.۲	۲۰۹۰۴.۴	۱۰۰	۱۰۰

مأخذ: یافته های تحقیق

۳-۲- اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا

۳-۲-۱- تولید ناخالص داخلی

تولید ناخالص داخلی در کشورهای عضو آ.سه. آن بین سالهای ۲۰۰۷-۲۰۰۵ به صورت زیر است. همان طور که از جدول ۴ مشخص است، تولید ناخالص داخلی سازمان آ سه آن بین سالهای ۲۰۰۷-۲۰۰۵ به طور میانگین ۲۳۷۰.۷۵۵ میلیارد دلار بوده است که در مقابل مقدار میانگین جهانی ۶۰۷۳۹.۶۵۳، تقریباً ۴٪ از کل تولید ناخالص داخلی جهانی می باشد. البته همانطور که از آمار جدول ۴ مشخص است<sup>۲۴</sup>، بیشترین میزان GDP(PPP) این سازمان در این سالها مربوط به اندونزی و سپس تایلند می باشد و لائوس در اتحادیه آ سه آن دارای کمترین میزان تولید ناخالص داخلی می باشد.

جدول ۴: تولید ناخالص داخلی در کشورهای عضو آ سه آن

(ارقام به میلیارد دلار است)

نام کشورهای عضو	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷
اندونزی	۷۰۵.۱۶۲	۷۶۷.۹۸۸	۸۳۸.۴۷۹
سنگاپور	۱۸۴.۸۵	۲۰۶.۳۹۳	۲۲۸.۳۰۳
لائوس	۱۰.۲	۱۱.۳۸۲	۱۲.۶۱۴
تایلند	۴۴۵.۳۶۷	۴۸۳.۱۹۴	۵۱۹.۷۸۶
فیلیپین	۲۵۰.۲۴	۲۷۲.۲۵	۲۹۹.۶۷۳
مالزی	۳۰۱.۳۰۶	۳۲۸.۹۷۳	۳۵۹.۲۷۱
ویتنام	۱۷۸.۰۷۳	۱۹۸.۹۳۵	۲۲۱.۶۱۴
برونئی دارالسلام	۱۷.۵۶۷	۱۸.۹۳۱	۱۹.۵۵۷
میانمار	۴۷.۵۹۳	۵۵.۳۶۵	۵۹.۹۶۲
کامبوج	۲۰.۱۴۳	۲۳.۰۳۱	۲۶.۰۶۴
آ سه آن	۲۱۶۰.۵۰۱	۲۳۶۶.۴۴۲	۲۵۸۵.۳۲۳
کل جهان	۵۶۰۴۳.۱۱	۶۰۷۳۹.۹۸	۶۵۴۲۳.۸۷

مأخذ: یافته های تحقیق

### ۳-۲-۲- حجم تجارت کل سازمان<sup>۲۵</sup>

میزان کل تجارت آسه آن در جدول ۵ مشخص شده است. بر اساس آمار موجود، میزان کل تجارت (صادرات + واردات) کشورهای عضو سازمان در طول دو سال به صورت میانگین ۱۳۱۵ میلیون دلار می باشد. که این مبلغ در مقابل تجارت صورت گرفته در کل جهان که تقریباً ۳۴۰۱۲ می باشد، (حدود ۳٪ از کل تجارت جهانی) می باشد. از طرفی در هر کدام از سالهای ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ در اتحادیه آسه آن، میزان صادرات از کل میزان واردات این سازمان بیشتر بوده است که این نشان دهنده مازاد تجارت در این سازمان می باشد. (بر عکس سازمان اگو که با کسری تجاری روبرو بود) و همانطور که مشخص است در آسه آن در این سالها میزان صادرات تقریباً سه برابر و یا بیشتر از میزان صادرات سازمان اگو می باشد.

جدول ۵: حجم تجارت (صادرات+واردات) در کشورهای عضو آسه آن

(ارقام به میلیون دلار است)

نام کشور عضو	۲۰۰۵			۲۰۰۶		
	صادرات	واردات	کل تجارت	صادرات	واردات	کل تجارت
برونئی دارالسلام	۶.۳۶۹.۳	۱.۵۰۳.۱	۷.۸۷۲.۴	۷.۶۱۹.۴	۱.۴۸۸.۹	۹.۱۰۸.۳
کامبوج	۳.۰۹۱.۵	۲.۸۲۴.۸	۵.۹۱۶.۲	۳.۵۱۴.۴	۲.۹۲۳.۰	۶.۴۳۷.۴
اندونزی	۸۵.۶۶۰.۰	۵۷.۷۰۰.۹	۱۴۳.۳۶۰.۸	۱۰۰.۷۹۸.۶	۶۱.۰۶۵.۵	۱۶۱.۸۶۴.۱
لائوس	۱۷۴.۱	۷۰.۱.۹	۸۷۵.۹	۴۰۲.۷	۵۸۷.۵	۹۹۰.۲
مالزی	۱۴۰.۴۷۰.۵	۱۱۴.۲۱۳.۱	۲۵۴.۶۸۳.۶	۱۵۷.۲۲۶.۹	۱۲۸.۳۱۶.۱	۲۸۵.۵۴۳.۰
میانمار	۳.۱۲۳.۸	۱.۶۳۲.۹	۴.۷۵۶.۷	۳.۵۱۴.۸	۲.۱۱۵.۵	۵.۶۳۰.۲
فیلیپین	۴۱.۲۵۴.۷	۴۷.۴۱۸.۲	۸۸.۶۷۲.۹	۴۷.۴۱۰.۱	۵۱.۷۷۳.۷	۹۹.۱۸۳.۸
سنگاپور	۲۲۹.۸۰۴.۱	۲۰۰.۱۶۲.۸	۴۲۹.۹۶۶.۹	۲۷۱.۶۰۷.۹	۲۳۸.۴۸۲.۰	۵۱۰.۰۸۹.۹
تایلند	۱۰۹.۶۲۲.۶	۱۱۷.۹۹۰.۹	۲۲۷.۶۱۳.۵	۱۲۱.۵۷۹.۵	۱۲۷.۱۰۸.۸	۲۴۸.۶۸۸.۳
ویتنام	۲۸.۵۷۶.۵	۳۲.۵۹۳.۹	۶۱.۱۷۰.۴	۳۷.۰۳۳.۷	۴۰.۲۳۶.۸	۷۷.۲۷۰.۵
آسه آن	۶۴۸.۱۴۷.۰	۵۷۶.۷۴۲.۴	۱.۲۲۴.۸۸۹.۴	۷۵۰.۷۰۷.۸	۶۵۴.۰۹۷.۸	۱.۴۰۴.۸۰۵.۷

مأخذ: یافته های تحقیق

۱. source: ASEAN Trade Database (compiled from data submission websites of ASEAN member Countries. National statistical offices and other relevant government agencies.)

### ۳-۲-۳- حجم تجارت درون منطقه ای در آسه آن

همانطور که مطرح شد در اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا توسعه همکاری های مشترک بالاخص همکاریهای تجاری بین اعضا بسیار مثمر ثمر خواهد بود. بر اساس آمار موجود در جدول ۶، کشور سنگاپور با سهم بسیار بالایی ۴۴ درصد از کل صادراتش را در داخل کشورهای منطقه انجام می دهد و بعد از آن مالزی با ۱۴ درصد بیشترین سهم را در صادرات درون منطقه ای دارند. به علاوه کشور سنگاپور به همراه مالزی بیشترین وارداتشان را نیز از داخل کشورهای اتحادیه انجام می دهند.

جدول ۶: حجم تجارت درون منطقه ای کشورهای عضو آسه آن (۲۰۰۶)

(ارقام به میلیون دلار است)

نام کشور عضو	صادرات		واردات		کل تجارت	
	درون آسه آن		درون آسه آن		درون آسه آن	
	ارزش	سهم تجارت از کل	ارزش	سهم تجارت از کل	ارزش	سهم تجارت از کل
برونئی	۱۸۸۷.۳	۰.۹	۷۵۴.۸	۰.۴	۲۶۳۳.۲	۰.۷
کامبوج	۲۳۵.۴	۰.۱	۹۹۱.۲	۰.۶	۱۰۲۲۶.۵	۰.۳
اندونزی	۱۸۰۴۸۳.۱	۹	۱۹۰۳۷۹.۲	۱۱	۳۷۰۳۶۲.۳	۱۰
لائوس	۲۸۹.۸	۰.۱	۵۰۰.۷	۰.۳	۷۹۰.۵	۰.۲
مالزی	۴۰۰۹۷۹.۶	۲۱	۳۲۰۲۹۰.۷	۱۹	۷۳۰۲۷۰.۲	۲۰
میانمار	۲۰۱۴۹.۷	۱	۱۰۱۷۴.۷	۰.۷	۳۰۳۲۴.۴	۰.۹
فیلیپین	۸۰۱۹۲.۲	۴	۱۰۰۲۱۸.۳	۶	۱۸۰۴۱۰.۵	۵
سنگاپور	۸۳۰۸۰۱.۶	۴۴	۶۲۰۳۰۰.۴	۳۸	۱۴۶۰۱۰۲.۰	۴۱
تایلند	۲۶۰۹۴۴.۲	۱۴	۲۳۰۵۳۹.۸	۱۴	۵۰۰۴۸۴.۰	۱۴
ویتنام	۶۰۲۱۴.۰	۳	۱۲۰۴۵۳.۷	۷	۱۸۰۶۶۷.۷	۵
آسه آن	۱۸۹۰۱۷۶.۸	۱۰۰	۱۶۳۰۵۹۴.۵	۱۰۰	۳۵۲۰۷۷۱.۴	۱۰۰

مأخذ: یافته های تحقیق

واضح است که در این سال حدود یک چهارم کل تجارت آسه آن، به صورت منطقه ای (در درون منطقه) صورت می پذیرد که در مقایسه با میزان بسیار پایین تجارت درون منطقه ای در سازمان اکو، رقم قابل توجهی می باشد.

### ۳-۳- شورای همکاری خلیج فارس

#### ۳-۳-۱- تولید ناخالص داخلی

همان طور که مشخص است در این گروه (که همه از کشورهای نفت خیز عرب می باشند) بیشترین GDP متعلق به کشور عربستان و بعد از آن کویت می باشد. تولید ناخالص داخلی شورای همکاری خلیج فارس بین سالهای ۲۰۰۷-۲۰۰۵ به طور میانگین برابر ۹۴۳۶۱ میلیارد دلار می باشد که حدود ۱٪ از کل تولید ناخالص جهانی می باشد.

جدول ۷: تولید ناخالص داخلی در کشورهای عضو جی سی سی

نام کشورهای عضو	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷
عمان	۵۱/۲۰۵	۵۶/۴۴	۶۱/۶۵۸
قطر	۵۶/۳۴۷	۶۶/۹۰۴	۷۹/۶۵۹
عربستان سعودی	۴۹۸/۹۶۳	۵۲۲/۱۱۵	۵۵۵/۰۵۵
امارات متحده عربی	۱۳۶/۷	۱۵۴/۳۵۱	۱۷۰/۲۸
بحرین	۲۰/۳۶	۲۲/۳۹۲	۲۴/۳۷۳
کویت	۱۱۰/۵۳۴	۱۲۱/۲۵۸	۱۳۰/۲۳۹
جی سی سی	۸۶۶.۱۰۹	۹۴۳.۴۶	۱۰۲۱.۲۶۴

مأخذ: یافته های تحقیق

### ۳-۲-۳- حجم تجارت کل شورای همکاری خلیج فارس<sup>۲۶</sup>

همان طور که از آمار جدول ۸ مشخص است، بیشترین آمار واردات در این گروه مربوط به کشور امارات متحده عربی و پس از آن عربستان می باشد و کشور عربستان دارای بیشترین میزان صادرات در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس است. بر اساس آمار موجود میزان کل صادرات در کل شورای همکاری خلیج فارس، بیشتر از میزان کل واردات در این گروه می باشد که این نشان دهنده مازاد تجاری در کشورهای این گروه است. (البته بیشترین صادرات در کشورهای این گروه مربوط به مشتقات نفت خام و بالاکس خود نفت خام می باشد.) کل تجارت صورت گرفته در سازمان به صورت میانگین حدود ۳۰۶۸۳۳ میلیون دلار می باشد که کمتر از ۱٪ از کل تجارت صورت گرفته جهانی می باشد.

جدول ۸: حجم کل تجارت کشورهای شورای همکاری خلیج فارس

(ارقام به میلیون دلار است)

نام کشورهای عضو	واردات کل		صادرات کل	
	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۶
امارات متحده عربی	۶۶.۰۱۰.۰۷	۷۷.۴۵۴.۸۷	۱۱۷.۲۵۵.۲۸	۱۳۴.۹۹۵.۲۳
بحرین	۷.۹۴۶.۲۶	۸.۹۴۳.۶۲	۱۰.۱۳۱.۰۶	۱۱.۷۰۲.۶۶
عربستان سعودی	۵۹.۴۶۲.۵۷	۶۹.۷۰۷.۱۰	۱۸۰.۵۷۱.۵۱	۲۱۱.۰۲۳.۸۰
عمان	۸.۸۲۷.۰۵	۱۰.۸۳۶.۷۵	۱۸.۶۹۱.۸۱	۲۱.۲۰۷.۵۲
قطر	۹.۹۷۰.۱۱	۱۲.۵۰۰.۴۱	۲۵.۷۶۱.۸۱	۲۶.۹۸۰.۴۹
کویت	۱۵.۸۰۱.۰۳	۱۵.۹۵۰.۸۵	۴۶.۹۷۰.۵۵	۵۸.۶۳۲.۶۱
کل شورا	۱۶۸۰۱۷.۰۹	۱۹۵۳۹۳.۶	۳۹۹۳۸۲.۰۲	۴۶۴۵۴۲.۳۱

مأخذ: یافته های تحقیق

۳-۳-۳- حجم تجارت درون منطقه ای شورای همکاری خلیج فارس<sup>۳۷</sup>

بر اساس آمار موجود، بیشترین میزان صادرات در درون منطقه با میزان ۷۲۴۳ میلیون دلار، توسط کشور عربستان صورت می گیرد در حالی که عمان با ۳۳۴۲ میلیون دلار بیشترین واردات را از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس داشته است. همان طور که مشخص است، کل تجارت صورت گرفته در سال ۲۰۰۶ درون منطقه، معادل ۲۴۵۵۸ می باشد که با مقایسه آمارهای موجود در مورد تجارت کل منطقه<sup>۳۸</sup> این میزان، حدود ۴ درصد از کل تجارت صورت گرفته درون سازمان را تشکیل می دهد.

۱. به علت محدودیت آمار تجارت درون منطقه ای در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس آخرین آمار موجود یعنی آمار سال ۲۰۰۱ بررسی می شود.  
 ۲. Arab monetary Fund- foreign Trade of Arab countries & PC-TAS

جدول ۹: تجارت درون منطقه ای کشورهای شورای همکاری خلیج فارس (۲۰۰۶)

نام کشور عضو	صادرات		واردات		کل تجارت	
	درون جی سی سی		درون جی سی سی		درون جی سی سی	
	ارزش	سهم تجارت از کل	ارزش	سهم تجارت از کل	ارزش	سهم تجارت از کل
عربستان	۷۲۴۳	۵۵	۳۲۷۳	۲۸	۱۰۵۱۶	۴۲
امارات متحده عربی	۰	۰	۰	۰	۰	۰
قطر	۱۸۶۰	۱۴	۲۱۵۹	۱۸	۴۰۱۹	۱۶
عمان	۵۹۷	۴	۳۳۴۲	۲۸	۳۹۳۹	۱۶
بحرین	۹۱۲	۷	۷۸۲	۶	۱۶۹۴	۶
کویت	۲۳۴۰	۱۸	۲۰۵۰	۱۷	۴۳۹۰	۱۷
کل جی سی سی	۱۲۹۵۲	۱۰۰	۱۱۶۰۶	۱۰۰	۲۴۵۵۸	۱۰۰

مأخذ: یافته های تحقیق

#### ۴- روش شناسی

##### ۴-۱- معرفی مدل مورد استفاده

مدل هایی که در تحقیق حاضر از آنها استفاده شده است؛ مدل های (۱) و (۲) می باشند که متغیرهای مدل اصلی جاذبه در مدل (۱) و متغیرهای مربوط به ایجاد و انحراف تجارت در سازمان های اکو، آسه آن و جی سی سی، توسط متغیرهای مجازی در مدل (۲) نشان داده می شود.

(۱)

$$\log \text{IMPORT}_{ijt} = a_0 + a_1 \log \text{GDP}_{it} + a_2 \log \text{GDP}_{jt} + a_3 \log \text{POP}_{it} + a_4 \log \text{POP}_{jt} + a_5 \log \text{DIST}_{ij} + a_6 \log \text{AREA}_{i} + a_7 \log \text{AREA}_{j} + a_8 \log \text{EXR}_{it} + a_9 \log \text{EXR}_{jt} + a_{10} \text{TAX}_{it} + a_{11} \text{TAX}_{jt} + a_{12} \text{LANG}_{ij} + m_{ijt}$$

(۲)

$$\log \text{IMPORT}_{ijt} = \text{the above} + a_{13} \text{RTA}_{eoci} \text{RTA}_{eocj} + a_{14} \text{RTA}_{eoci} + a_{15} \text{RTA}_{eocj} + a_{16} \text{RTA}_{aseani} \text{RTA}_{aseanj} + a_{17} \text{RTA}_{aseani} + a_{18} \text{RTA}_{aseanj} + a_{19} \text{RTA}_{gcci} \text{RTA}_{gccj} + a_{20} \text{RTA}_{gcci} + a_{21} \text{RTA}_{gccj}$$

##### ۴-۱-۱- متغیر وابسته (واردات)

برخلاف سایر مدل های جاذبه که در آنها کل تجارت بین دو کشور را به عنوان متغیر وابسته در نظر می گیرند، در این مدل فقط واردات را به عنوان متغیر وابسته در نظر می گیریم چرا که نماینده بهتری از تأثیرات موانع تجارت داخلی است.

##### ۴-۱-۲- متغیرهای مستقل

۴-۱-۲-۱- تولید ناخالص داخلی (GDP)

مدل شامل دو متغیر GDP می باشد؛ GDPi مربوط به کشور وارد کننده و GDPj مربوط به کشور صادر کننده می باشد. با افزایش درآمد و محصول هر کشور، میزان تقاضای آن کشور برای واردات کالا و خدمات از کشور متقابل افزایش می یابد، بنابراین ضریب هر دو این متغیرها در مدل مثبت به نظر می رسد.

۴-۲-۱- جمعیت (pop)

متغیر جمعیت نیز در این مدل به دو صورت POPi که مربوط به کشور وارد کننده و POPj که مربوط به کشور صادر کننده است، می باشد. پیش بینی می شود که کشورهای با جمعیت بیشتر (در حالت طبیعی) واردات و صادرات بیشتری انجام دهند. پس بنابراین ضریب این متغیر برای POPi مثبت به نظر می رسد در حالی که این ضریب برای POPj نامعین است.

۴-۲-۱- مسافت (DISij)

در این تحقیق، مسافت فیزیکی بین کشورها را به عنوان جایگزینی برای هزینه های حمل و نقل در نظر می گیریم. این فرض می شود که هزینه های حمل و نقل در تجارت بین کشورها تأثیر منفی دارد. در این مقاله DISij مسافت بین پایتخت های کشور واردکننده i و کشور صادرکننده j می باشد.

۴-۲-۱- مساحت (AREA)

این متغیر مجموع زمینهای یک کشور است. مانند سایر متغیرهای بالا AREAi مربوط به کشور وارد کننده و AREAj به کشور صادرکننده تعلق دارد. این انتظار وجود دارد که کشورهای بزرگتر واردات و صادرات بیشتری انجام دهند. با این حال احتمال مغایر این نیز وجود دارد بنابراین علامت این ضرایب نا مشخص است.

۳-۲-۱- نرخ ارز (EXR)

EXRi نرخ ارز مربوط به کشور واردکننده است در حالی که EXRj مربوط به کشور صادرکننده است. نرخ ارز هر کشور بر حسب ارزش رایج یک دلار آمریکا تعریف شده است. برای کشور i نرخ ارز دارای علامت منفی و برای کشور j دارای علامت مثبت است.

۴-۲-۱- مالیات بر کالاها و خدمات (TAX)

TAXi و TAXj که به ترتیب مربوط به کشور وارد کننده و کشور صادرکننده اند، مالیات مربوط به کالاها و خدمات می باشد که بر طبق فروض هر دو این ضرایب باید منفی باشند.

۴-۲-۱- زبان (LAN)

بر طبق تحقیقی که در سال ۱۹۹۶ توسط Linnermann انجام شد، یک زبان مشترک در روند تجارت تأثیر قابل ملاحظه ای دارد. که در این تحقیق متغیر LANij، زمانی که زبانی مشترک بین دو کشور وجود دارد برابر یک و در غیر این صورت برابر صفر است. طبق فروض زمانی که بین دو کشور زبان مشترک وجود دارد، این امر باعث افزایش تجارت بین آنها می شود.

۴-۲-۱- متغیرهای مجازی مدل

متغیرهای مجازی مدل شماره (۲) که با ضرایب  $a_{13}, a_{14}, a_{15}, a_{16}, a_{17}, a_{18}, a_{19}, a_{20}, a_{21}$  مشخص شده اند مانند سایر متغیرهای مجازی اعداد یک و صفر را می گیرند به این صورت که RTAKi (k در مدل ۲ برابر با سازمانهای اکو، آسه آن و جی سی سی است). زمانی که کشور واردکننده i عضو بلوک تجاری k باشد برابر یک و در غیر این صورت برابر صفر است. مثبت بودن ضرایب  $a_{14}, a_{17}, a_{20}$  در مدل ۲ نشان دهنده این است که، به ترتیب کشورهای عضو سازمانهای منطقه ای اکو، آسه آن و جی سی سی، بیشتر از کشورهای عضو اتحادیه های دیگر که عضو آن اتحادیه نیز نیستند، کالا وارد می کنند که این به این معناست که سازمان با ایجاد تجارت روبروست. از طرفی مثبت بودن ضرایب  $a_{15}, a_{18}, a_{21}$  به این معناست که کشورهای عضو یک سازمان، از



کشورهایی کالا وارد می‌کنند که عضو آن سازمان هستند که این نیز نشان دهنده این است که سازمان با ایجاد تجارت روبروست. مثبت بودن هر دو این ضرایب برای هر اتحادیه نشان دهنده این است که سازمان با ایجاد تجارت روبروست در حالی که منفی بودن این ضرایب نشان دهنده این است که تجارت کمتر است و بنابراین بلوک‌های تجاری ممکن است با انحراف تجارت روبرو باشند. اگر متغیر دامی مربوط به هر اتحادیه برای RTAKi و RTAKj واحد باشند، این به این معناست که هر دو کشور واردکننده i و صادرکننده j عضو یک اتحادیه هستند و بنابراین مثبت بودن ضرایب a19, a17, a13 نشان دهنده این است که کشورها از کشورهایی که عضو همان اتحادیه هستند، کالا وارد می‌کنند. یکی از علائمی که نشان دهنده این است که اتحادیه با انحراف تجارت روبروست این است که ضرایب a20, a17, a14 و a21, a18, a15 معین و منفی باشند و ضرایب a19, a17, a13 مثبت باشند.

#### ۴-۲-۱- نتایج مدل اصلی جاذبه

جدول ۱۱ نتایج مدل اصلی جاذبه (مدل ۱) را با استفاده از تخمین به روش Pooled برای دوره زمانی ۵ ساله توضیح می‌دهد. بر اساس آمار موجود در این جدول، ضریب تعیین ( $R^2$ ) برابر با ۰.۴۶ می‌باشد که تقریباً قابل قبول است. نتایج آزمون F نشان می‌دهد که مدل بدون خطا بوده و از سطح معنا داری قابل قبولی برخوردار می‌باشد. در این جدول، ضرایب مدل جاذبه مانند سایر مدل‌های جاذبه بوده و همانطور که مشخص است ضرایب مربوط به GDP, POP برای هر دو کشور صادرکننده و واردکننده مثبت است یعنی در کشورهای مورد بررسی، با افزایش جمعیت و تولید ناخالص داخلی واردات این کشورها افزایش می‌یابد. از طرفی منفی بودن ضریب فاصله بین کشورها و مساحت هر کشور، به وضوح تأثیر منفی این دو مورد بر حجم تجارت کشورهای عضو اتحادیه‌های آکو، آسه آن و جی سی سی را نشان می‌دهد. مثبت بودن ضریب زبان مشترک در این کشورها نشان دهنده این است که کشورهایی که زبان مشترکی دارند، رابطه تجاری بیشتری با همدیگر برقرار می‌کنند. ضرایب منفی TAX در هر دو کشور واردکننده و صادرکننده نشان دهنده تأثیر طبیعی رژیم‌های مالیاتی در روند تجارت بین کشورهاست که این تأثیر برای تمام کشورهای هر سه اتحادیه رابطه ای منفی را نشان می‌دهد. در این تحقیق ضریب مربوط به نرخ ارز در کشور واردکننده نیز، رابطه ای منفی را نشان می‌دهد.

جدول ۱۱: ضرایب تخمین مدل جاذبه اصلی

Method: Pooled Least Squares

Sample:

۲۰۰۲

۲۰۰۶

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
LOG(GDPI?)	۱.۴۳۷۰۲۶	۰.۱۰۱۶۴۸	۱۴.۱۳۷۲۱	۰.۰۰۰۰
LOG( GDPJ?)	۲.۴۰۸۱۸۳	۰.۱۰۰۶۱۴	۲۳.۹۳۴۹۹	۰.۰۰۰۰
LOG( POPI?)	۰.۸۳۵۰۶۳	۰.۱۱۷۷۹۸	۷.۰۸۸۹۴۰	۰.۰۰۰۰
LOG( POPJ?)	۰.۸۶۸۵۱۸	۰.۱۱۴۱۸۷	۷.۶۰۶۱۳۰	۰.۰۰۰۰
LOG( DISIJ?)	-۰.۰۳۱۱۹۹	۰.۰۳۷۰۷۲	-۰.۸۴۱۵۸۴	۰.۴۰۰۱
LOG( AREAI?)	-۰.۳۱۸۷۴۷	۰.۰۵۸۸۰۵	-۵.۴۲۰۴۳۲	۰.۰۰۰۰
LOG(AREAJ?)	-۰.۹۳۰۸۶۳	۰.۰۵۸۳۹۴	-۱۵.۹۴۱۱۳	۰.۰۰۰۰
LOG( EXRI?)	-۰.۱۷۱۳۳۲	۰.۰۳۸۷۸۳	-۴.۴۱۷۶۶۰	۰.۰۰۰۰
LOG( EXRJ?)	-۰.۰۴۷۵۶۸	۰.۰۳۸۴۲۰	-۱.۲۳۸۰۹۳	۰.۲۱۵۸
LANIJ?	۵.۲۷۲۹۲۹	۰.۳۳۴۲۲۹	۱۵.۷۷۶۳۸	۰.۰۰۰۰

TAXI?	-۰.۰۵۶۰۰۱	۰.۰۲۴۰۵۹	-۲.۳۲۷۶.۴	۰.۰۲۰۰
TAXJ?	-۰.۰۲۸۱۱۲	۰.۰۲۳۹۱۵	-۱.۱۷۵۵۱۴	۰.۲۳۹۹
R-squared	۰.۴۶۱۵۴۲			
Adjusted R-squared	۰.۴۵۹۵۲۷			
F-statistic		۲۲۹.۰۱۶۳		
Prob(F-statistic)		۰.۰۰۰۰۰۰		

مأخذ: یافته های تحقیق

جدول ۱۲: ضرایب تخمین مدل جاذبه تعمیم یافته در بین اعضای اتحادیه‌های آکو، آسه آن و جی سی سی  
Method: Pooled Least Squares

Sample: ۲۰۰۲ ۲۰۰۶

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
LOG(GDPI?)	۱.۷۵۴۷۷۱	۰.۱۱۹۱۹۹	۱۴.۷۲۱۲۹	۰.۰۰۰۰
LOG( GDPJ?)	۲.۷۲۶۴۵۵	۰.۱۱۴۴۶۱	۲۳.۸۱۹۸۵	۰.۰۰۰۰
LOG( POPI?)	۰.۵۸۵۰۰۶	۰.۱۵۵۲۴۸	۳.۷۶۸۲۰۲	۰.۰۰۰۲
LOG( POPJ?)	۰.۴۰۱۴۸۴	۰.۱۴۲۴۵۲	۲.۸۱۸۲۸۲	۰.۰۰۴۹
LOG( DISIJ?)	۰.۱۹۴۰۶۲	۰.۰۳۸۷۲۸	۵.۰۱۰۸۵۳	۰.۰۰۰۰
LOG( AREAI?)	-۰.۱۴۱۴۹۹	۰.۰۸۰۷۲۶	-۱.۷۵۲۸۱۹	۰.۰۷۹۷
LOG(AREAJ?)	-۰.۵۶۷۰۴۸	۰.۰۷۹۲۴۴	-۷.۱۵۵۷۴۵	۰.۰۰۰۰
LOG( EXRI?)	-۰.۰۸۰۸۶۸	۰.۰۳۹۶۰۴	-۲.۰۴۱۹۱۸	۰.۰۴۱۲
LOG( EXRJ?)	-۰.۰۲۲۴۴۷	۰.۰۳۹۲۸۰	-۰.۵۷۱۴۷۲	۰.۵۶۷۷
LANIJ?	۱.۹۴۸۶۲۳	۰.۴۴۱۲۶۶	۴.۴۱۵۹۸۲	۰.۰۰۰۰
TAXI?	-۰.۰۲۰۶۵۷	۰.۰۲۳۵۳۲	-۰.۸۷۷۸۲۳	۰.۳۸۰۱
TAXJ?	-۰.۰۱۰۱۶۲	۰.۰۲۳۱۹۶	-۰.۴۳۸۰۹۶	۰.۶۶۱۳
RTAECOI?	-۸.۰۶۶۷۳۶	۱.۷۷۶۲۵۷	-۴.۵۴۱۴۲۴	۰.۰۰۰۰
RTAECOJ?	-۲.۴۴۵۹۳۵	۱.۴۰۷۳۵۰	-۱.۷۳۷۹۷۳	۰.۰۸۲۳
RTAASEANI?	-۹.۷۰۰۵۲۸	۱.۷۴۵۶۱۶	-۵.۵۵۷۰۸۰	۰.۰۰۰۰
RTAASEANJ?	-۳.۳۴۰۴۱۳	۱.۴۱۶۵۴۸	-۲.۳۵۸۱۳۶	۰.۰۱۸۴
RTAGCCI?	-۶.۱۱۱۵۶۵	۱.۷۹۳۹۹۴	-۳.۴۰۶۶۸۱	۰.۰۰۰۷
RTAGCCJ?	-۰.۹۴۳۰۱۶	۱.۴۲۶۳۵۵	-۰.۶۶۱۱۳۷	۰.۵۰۸۶
ECOIECOJ?	۴.۶۴۱۳۶۵	۰.۴۷۷۷۸۰	۹.۷۱۴۴۴۸	۰.۰۰۰۰
ASEANIASEANJ?	۴.۵۴۷۴۸۷	۰.۴۷۹۳۷۴	۹.۴۸۶۲۹۷	۰.۰۰۰۰
GCCIGCCJ?	۲.۳۰۸۹۳۳	۰.۷۳۸۳۰۱	۳.۱۲۷۳۶۲	۰.۰۰۱۸
R-squared	۰.۵۲۳۶۶۴			
Adjusted R-squared	۰.۵۲۰۴۱۲			
F-statistic	۱۶۱.۰۵۵۸			
Prob(F-statistic)			۰.۰۰۰۰۰۰	

مأخذ: یافته های تحقیق

#### ۴-۲-۲- نتایج مربوط به مدل در برگیرنده اتحادیه ها(مدل ۲)

برای پاسخ دادن به سؤال مطرح شده در این مقاله که شامل ایجاد و انحراف تجارت است، لازم است که روی مدل دوم که در برگیرنده اتحادیه های آکو، آسه آن و جی سی سی می باشد تمرکز کنیم. نتایج مربوطه در جدول ۱۲ مشخص شده اند. در مدل ۲ ضرایب مربوط به اتحادیه های اقتصادی منطقه آسیا، همانگونه که در بالا به آن اشاره شد، به صورت متغیرهای دامی مورد بررسی قرار می گیرند. ضریب تبیین ( $R^2$ ) در این جدول مقدار قابل قبول ۰.۵۲ می باشد و آزمون F نیز در سطح ۱۰٪ و ۵٪

بدون خطاست.

۴-۲-۱-اکو

نتایج مربوط به اکو که در جدول ۱۲ مشخص شده است، نشان دهنده این است که این سازمان با انحراف تجارت روبرو است. ضرایب مربوط به  $ECOj$ ,  $ECOi$  و هر دو منفی و مشخص اند در حالی که ضریب مربوط به تجارت درون منطقه ای سازمان اکو،  $ECOiECOj$ ، مثبت می باشد. که این عامل نشان دهنده این است که با تشکیل اتحادیه اکو رابطه تجاری کشورهای عضو آن با بقیه کشورهای آسیایی کاهش یافته است که این مفهوم، انحراف تجارت و کاهش رفاه را در منطقه مشخص می کند.

۴-۲-۲-آسه آن

نتایج مربوط به اتحادیه آسه آن که در جدول ۱۲ مشخص شده است، نشان دهنده این است که این سازمان نیز مانند سازمان اکو در این دوره زمانی با انحراف تجارتی درون منطقه روبرو است. ضرایب مربوط به  $ASEANj$ ,  $ASEANi$  هر دو منفی و مشخص اند در حالی که ضریب مربوط به تجارت درون منطقه ای اتحادیه آسه آن،  $ASEANiASEANj$ ، مثبت می باشد. که این نیز نشان دهنده این است که با تشکیل اتحادیه آسه آن رابطه تجاری کشورهای عضو این اتحادیه با بقیه کشورهای آسیایی کاهش یافته است که این مفهوم نیز، انحراف تجارت و کاهش رفاه را در منطقه مشخص می کند.

۴-۲-۳-جی سی سی

شورای همکاری خلیج فارس نیز، در دوره زمانی ۲۰۰۶-۲۰۰۲ با انحراف تجارتی درون منطقه روبرو است. ضرایب مربوط به  $GCCj$ ,  $GCCi$  هر دو منفی و مشخص اند در حالی که ضریب مربوط به تجارت درون منطقه ای شورای همکاری خلیج فارس،  $GCCiGCCj$ ، مثبت می باشد. که این نیز نشان دهنده این است که با تشکیل شورای همکاری خلیج فارس رابطه تجاری کشورهای عضو این شورا با بقیه کشورهای آسیایی کاهش یافته است که این مفهوم نیز مانند دو اتحادیه دیگر در منطقه آسیا، انحراف تجارت و کاهش رفاه را منطقه را مشخص می کند.

## ۵- بحث و نتیجه گیری

نتایج حاصله از مدل های جاذبه که با استفاده از روش pooled وبا در نظر گرفتن ۲۶ کشور عضو سازمان های اکو، آسه آن و جی سی سی انجام شد، نشان داد که :

اولاً: متغیرهای تولید ناخالص داخلی، جمعیت، مالیات، نرخ ارز، مسافت بین کشورها، مساحت کشورها و زبان مشترک کشورها، تأثیر قابل ملاحظه ای بر میزان تجارت بین کشورها دارند؛

دوماً: تخمین مدل جاذبه دوم طی دوره ۲۰۰۲-۶ نشان داده که اتحادیه های منتخب منطقه آسیا با انحراف تجارتی درون منطقه آسیا روبرو بوده اند که این عامل کاهش رفاهی را در سطح منطقه موجب می شود؛

بعلاوه نتایجی که به صورت تحلیلی از تحقیق حاضر به دست آمد نشان دهنده پایین بودن میزان تجارت این سازمانها در سالهای ۲۰۰۵-۶ نسبت به تجارت جهانی بود همچنین با بررسی روند تجارت درون منطقه ای در سازمانهای مذکور طی سال ۲۰۰۶ به این آمار دست یافتیم که در سال مذکور، سازمان های اکو و جی سی سی به ترتیب حدود ۷٪ و ۴٪ از کل تجارتشان و آسه آن ۲۵٪ از کل تجارتش را درون منطقه انجام داده است که این نشان دهنده بالاتر بودن تجارت درون منطقه ای آسه آن نسبت به اکو و جی سی سی در سال مذکور است به این مفهوم که تشکیل سازمانهای اکو و جی سی سی در بهبود تجارت بین کشورهای عضو این سازمانها تأثیری ندارد از طرفی افزایش تجارت کشورهای منطقه آسه آن به قیمت کاهش تجارت این کشورها با سایر کشورهاست که به صورت تفصیلی به بررسی علل احتمالی موفقیت و ناکامی سازمانهای فوق، در جهت تحقق اهداف تجاری می پردازیم.

سازمان اکو که با ۷.۵ میلیون کیلومتر مربع مساحت و ۳۰۰ میلیون نفر جمعیت به دلیل واقع شدن در موقعیت حساس ژئوپولیتیک در محل تلاقی سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا و دارا بودن برخی از ظرفیتهای خاص مانند ذخایر انرژی از شرایط مناسبی جهت ارتقای سطح تبادلات تجاری درون و برون منطقه ای، برخوردار است؛ اما به دلایل زیر این مهم تاکنون اتفاق نیفتاده است.

۱- شش کشور از کشورهای تشکیل دهنده سازمان اکو اساساً فاقد مزیت‌های رقابتی، تولیدی و پاسخگویی به بازار عرضه و تقاضای سایر کشورهای عضو سازمان می باشند. این کشورها شامل آذربایجان، قزاقستان، تاجیکستان، قرقیزستان، ازبکستان و ترکمنستان می باشند. این کشورها که از سالهای دهه ۹۰ از شوروی جدا شده اند به علت سلطه نظام اقتصادی کمونیستی با ویژگیهای شناخته شده اش پس از جدا شدن از شوروی و استقلال اقتصادی و سیاسی، توان برپاماندن بدون حمایت‌های سایر کشورها را دارا نمی باشند؛ از این رو این تعداد از کشورها که در مقابل کل اعضا نسبت ۲/۳ را نشان می دهند در ضعف‌های اقتصادی- تجاری سازمان نقش مؤثری دارند.

۲- ایران به عنوان بزرگترین صادرکننده در میان کشورهای عضو اکو، اگرچه در مقایسه با سایر کشورهای عضو از وضعیت مطلوب تری برخوردار است و لیکن این مزیت نشأت گرفته از وجود ذخایر انرژی و به میزان محدودی صادرات غیرنفتی می باشد، با توجه به این که میزان نیازمندی کشورهای عضو اکو به نفت و مشتقات آن چندان نمی باشد (به جز ترکیه) این زمینه تقویت تجارت میان کشورهای درون منطقه را فراهم نکرده است.

۳- ترکیه و ایران که به ترتیب بزرگترین واردکنندگان کشورهای عضو سازمان می باشند، بازار تقاضای خود را در خارج از منطقه یافته اند این موضوع نشأت گرفته از فقدان مزیت‌های تولیدی در کشورهای عضو این سازمان می باشد.

۴- روسیه به عنوان قدرت رقیب آمریکا که در صدد ایجاد توازن یا حداقل نظام چند قطبی به جای تک قطبی است، به کشورهای جدا شده از اتحاد جماهیر شوروی سابق به عنوان حیات خلوت خود توجه ویژه ای دارد از این رو تلاش در جهت تسخیر بازار مصرف کشورهای جدید التاسیس و نفوذ سیاسی در این کشورها فرصت رقابت را از سایر همسایگان و رقبا از بین برده است، گرچه ترکیه با انعقاد پیمان همکاری نظامی - امنیتی با آذربایجان در سال ۱۹۹۹ جایگاه مناسبی در معادلات منطقه ای کسب نموده است ولی با این وجود حضور حداکثری روسیه و تلاش در راستای ارتقای روابط با این کشورها باعث تحریک سایر رقبای منطقه ای و فرامنطقه ای روسیه جهت حضور در حوزه جغرافیایی سازمان اکو شده است در این میان حضور اسرائیل، آمریکا و تلاش سازمان دفاعی- امنیتی ناتو جهت گسترش به شرق و... از جمله مصادیق نقش آفرینی سایر قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای در کشورهای حوزه جغرافیایی اکو شده است. از این رومیل به تجارت و توسعه روابط اقتصادی با سایر کشورها به نسبت کشورهای این منطقه تقویت شده است.

۵- ترکیه به عنوان یک کشور عضو اکو گرچه دارای بیشترین حجم واردات و دومین کشور صادرکننده بعد از ایران محسوب می شود، لیکن میل به همگرایی این کشور به اروپا و تمایل به عضویت در اتحادیه اروپا بر ماندن در اکو و همکاری در راه نیل به اهداف این سازمان پیشی می گیرد.

## جی سی سی

حوزه جغرافیایی سازمان جی سی سی از جهت بهره مندی از ذخایر انرژی و معدنی و واقع شدن در موقعیت حساس ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیکی دارای مزیت‌های بی نظیری در سطح جهان می باشد. ذخایر نفت و گاز در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج

فارس به عنوان مزیت نسبی صادراتی آنها محسوب می شود. هدف اصلی شکل گیری این سازمان، ایجاد صلح و ثبات در منطقه خاورمیانه و تثبیت همکاری میان کشورهای عضو آن بوده است. اما اهتمام به تجارت درون منطقه ای، که از اهداف اصلی هر همگرایی اقتصادی می باشد، از اولویت چندم این کشورها محسوب می شود که این موضوع نشأت گرفته از چند عامل زیر است:

۱- کشورهای عضو جی سی سی تولید متناسب با تقاضای سایر کشورهای عضو را دارا نمی باشند. چرا که همه کشورهای عضو این سازمان صادرکننده نفت و مشتقات آن می باشند از این رو میل به تجارت درون منطقه ای در میان کشورهای عضو جی سی سی ضعیف است.

۲- شکل حکومت عشیره ای، تعداد جمعیت ساکن هریک از کشورها و وابستگی به درآمد نفتی از جمله عوامل بازدارنده در نیل به اقتصاد غیرنفتی و کسب ارز از آن طریق می باشد. از این رو تولید محور نبودن این کشورها، باعث عدم همبستگی متقابل میان آنها شده است که نتیجه آن تأمین مایحتاج خود خارج از منطقه می باشد.

۳- برخی از کشورهای عضو جی سی سی مانند قطر و امارات از ماحصل فروش نفت و فرآورده های آن اقدام به سرمایه گذاری در امور زیر بنایی و راه اندازی سرویس های پایانه ای جهت واردات کالاهای خارجی (اروپایی، امریکایی و جدیداً چینی) نموده اند و به این ترتیب عمده زیر ساختهای اقتصادی شکل گرفته در زمینه اقتصاد، صرف واردات و احیاناً صادرات مجدد کالاها و خدمات سایر کشورها شده است که این موضوع تجارت درون منطقه ای این کشورها را کاهش داده است.

۴- نیاز بازارهای جهانی به نفت و گاز از جمله شکل گیری بازار جدید تقاضا در غرب و جنوب شرق آسیا و همچنین از اروپا جهت صدور گاز قطر باعث ایجاد شکاف در همگرایی کشورهای عضو جی سی سی شده است این در حالی است که میزان وابستگی کشوری چون ژاپن به نفت خام خلیج فارس به میزان ۷۰٪ در سال ۲۰۰۷ اعلام شده است، بنابراین وجود این ظرفیتهای عظیم صادراتی اساساً نیل به درآمدزایی غیر نفتی در کشورهای عضو را به شدت کاهش می دهد.

۵- واقع شدن در منطقه حساس خلیج فارس که توأم با نگاه امنیتی قدرتهای بزرگ به آن می باشد باعث ایجاد مضار رقابتی جهت افزایش ضریب امنیتی میان کشورهای عضو جی سی سی شده است. در واقع فقدان عمق استراتژیک، کوچک بودن تعدادی از کشورهای عضو و ناتوانی از تضمین امنیت ملی کشورها باعث شده است که امنیت به مثابه کالایی اهمیت یابد. در این راستا این کشورها با خرید تسلیحاتی و ایجاد بازار رقابتی یک فضای امنیتی خزنه را میان خود ایجاد نموده اند که این باعث تضعیف اتحاد میان آنها شده است.

## آ سه آن

سازمان آ سه آن به عنوان سازمان پیشرو و موفق در زمینه تجارت درون منطقه ای همواره در صدد بازسازی ساختار، اهداف و راهبردهای خود می باشد. این سازمان که در سال ۲۰۰۳ سند چشم انداز آ سه آن ۲۰۲۰ را تدوین نموده است، با تأکید بر مؤلفه های جامعه امنیتی، جامعه اقتصادی و جامعه فرهنگی - اجتماعی به دنبال تبدیل شدن به یک منطقه اقتصادی با ثبات، غنی و رقابتی است و خود را بر اساس مؤلفه های ارزشی از جمله توسعه اقتصادی مساوی در کشورهای عضو و کاهش فقر اقتصادی - اجتماعی سعی نموده است. آ سه آن در مقایسه با اکو و جی سی سی از تجارت درون منطقه ای موفق تری برخوردار است. این سطح بهره مندی را می توان در علل زیر خلاصه کرد:

۱- کشورهای عضو آ سه آن در چارچوب تعهدات سال ۲۰۰۳ و سند چشم انداز آ سه آن ۲۰۲۰ خود را متعهد به حمایت از کشورهای ضعیف سازمان در چارچوب نظام ارزشی نموده اند.

۲- کشورهای عضو با توجه به مزیت نسبی تولیدی- تجاری خود قدرت پاسخگویی به تقاضاهای کشورهای عضو را دارا می باشند از این رو با وارد نمودن مکانیسم هایی مثل حذف تعرفه گمرکی و عدم حمایت از کالای تولید داخلی در مقابل تولیدات کشورهای هم پیمان (پرداخت سوبسید) باعث نیل به فعالیتهای تجاری درون منطقه نموده است.

۳- گرچه منطقه جنوب شرق آسیا در مقابل حوزه جغرافیایی اکو و جی سی سی دارای اهمیت خاص ژئوپلیتیکی نمی باشد لیکن وجود ثبات سیاسی در نظام حکومتی کشورها، عدم ورود به چرخه رقابتهای غیر سودآور مثل تجارت تسلیحات در منطقه خاورمیانه و عدم دست اندازی رقبای غیر منطقه ای در بازار تجاری این منطقه باعث برقراری ثبات و تعادل در بازار تجاری منطقه آسه آن شده است.

۴- الگوهای پیشرو توسعه مدنظر کشورهای جنوب شرق آسیا اساساً با الگوهای اتخاذ شده در کشورهای عضو دو سازمان اکو و جی سی سی متفاوت است از این جهت که کشورهای عضو آسه آن با لحاظ نمودن سنتها و ارزشهای ملی و محلی خود به عنوان اساس توسعه، علم، تکنولوژی و متدهای غربی را اتخاذ کرده اند که این باعث شکل گیری آهنگ رشد همسو، همزمان و متعادل در میان کشورهای عضو آسه آن شده است. از این رو شاهد همگرایی جدی تری میان کشورهای این سازمان در تجارت درون منطقه ای شده ایم.

۵- وجود نوعی تقسیم کار محلی- منطقه ای در میان کشورهای عضو آسه آن زمینه پاسخگویی به نیازهای یکدیگر را فراهم ساخته است که این موضوع به نحو محسوسی در مزیتهای تجاری- رقابتی کشورهای عضو قابل مشاهده است.

## فهرست منابع:

- رحیمی بروجردی، علیرضا (۱۳۷۵)، روابط تجاری و بین المللی معاصر، تئوری ها و سیاست ها، مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، چاپ اول.
- طییبی، کمیل، و اکبر توکلی (۱۳۷۷)، جهانی شدن اقتصاد و رقابت بین المللی، آرایه شده در اولین همایش بین المللی همکاری های اقتصادی - بازرگانی بین کشورهای عضو کنفرانس اسلامی، بهمن ۱۳۷۷.
- طاهری، ص، (۱۳۸۴)، عوامل مؤثر بر تولید گندم در ایران به ترتیب ضریب اهمیت، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال سیزدهم، شماره ۵۰، ۸۱-۹۷.

*Alcaly.R. Aggregation and Gravity model, some empirical evidence, journal of regional science, ۷( ۱), ۶۱-۷۳. ۱۹۷۱*

*Anderson, J.E.(۱۹۷۹), "A Theoretical Foundation for the Gravity Equation", American Economic Review, ۶۹, march*

*Bhagwati.J. and Panagarya.A(۱۹۹۶), The theory of preferential Trade Agreements: Historical Evolution and current Trends", American Economic Review, vol. ۸۶, no ۲..*

*Bergstrand, Jeffrey H.(۱۹۸۹)" The Generalized Gravity Equation monopolistic.*

*Bougheas, S.P. Demetriades and E. Morgenroth (۱۹۹۹). Infrastructure , Transport costs and Trade , Journal of International Economics, ۴۷, PP: ۱۶۹- ۱۸۹*

*Busse, M., M. Huth and G. Koopmann(۲۰۰۰), "Preferential Trade Agreements: The Case of EU-Mexico" HWWA Discussion paper, Hamburgisches Weltwirtschafts Archiv (HWWA). Hamburg Institute of International Economics.*

*Cheng, I.H & Wall, H.J.(۲۰۰۰). NAFTA The changing pattern of state Export Federal Reserve Bank of st. Louis.*

*Cooper C.A. and Massel B.F.(۱۹۶۵), Toward a general theory of customs union for developing countries, journal of political economy ۷۱.*

*Cheng, I.H & Wall, H.J.(۲۰۰۰). NAFTA The Changing Pattern of State Export Federal Reserve Bank.*

*Deardorff, A.(۱۹۹۵), Determinants of Bilateral Trade: Does Gravity work in a Neoclassical World? National Bureau of Economic Research working paper , ۵۳۷۷.*

*EL.Agraa, Ali.M.(۱۹۹۹), Regional integration , experience theory and measurement, London Macmillan press ltd.*

*Feenstra, Robert C., Markusen, James R. and Andrew K. Rose(۲۰۰۱)"using the gravity equation to differentiate among alternative theories of trade," canadian journal of Economics , ۴۳۰- ۴۴۷.*

*Gehrles, F.(۱۹۵۶). Custom union from a single country viewpoint , Review of Economics studies, vol.( ۲)*

*Harmsen, Richard and Leidy, Michael, Regional trading arrangement, the uruguay round and*



beyond, Background papers, vol. 1998

Jugar.B , Stewart.M , Brooks.R.(2007). Asia/pacific Regional Trade Agreements: An empirical study, *Journal of Asian Economic* 14(2007) 975-987

Krugman ,p.(1991), "International Trade and Trade policy , Cambridge, MIT press. Also reprinted in: *International Economic Integration*, ed. By M.N. Joranovic(1998), vol. 1.

Limao, N. and Venables A.J.(2001), " Infrastructure Geographical Disadvantage, Transport Costs, and Trade" *World Bank Economic Review*, 10, pp. 401-479.

Lipsey, R.G.(1907), *the theory of customs union: trade diversion and welfare*, *Economica*, vol 24

McCallum, J.(1990). *National Borders matter : Canada-U.S. Regional Trade Patterns. The American Economic Review*. world bank

Solaga, I. and L.A. Winters(1999), *Regional in 1990s: What Effect on Trade? Development Research Group of*

Shagi, E.(1978), *The Relevance of the Predominant Economic Integration for Development Strategy. Economics, Institute for Scientific Cooperation (ed), Tobingen, Vol. 17.*

Van Seventer, D.E. and Thembi, M.(2001), " A Free Trade Area between south Africa and India: Commodities matter", *TIPS. policy Review workshop, August.*

Viner, J.(1900), *The customs union issue , Carnegie Endowment for International peace, New York*

Wonnocot, G.P. and Wonnocot R.G.(1987), "Is unilateral Tariff Reduction preferable to a customs union? The curious case of the missing foreign Tariff" , *American Economic Review*, vol. 77

World Bank(2007), *World Development Indicators*, Washington: World Bank.

WTO. UNCTAD(2007), "Tradeism, gravity model for the calculation of trade potentials for developing countries and economies in transition."

Zarzos., I. and f. Lchmann(2000), [WWW.gwdg.de/uwia/pdf/iai-db77.pdf](http://www.gwdg.de/uwia/pdf/iai-db77.pdf)

[WWW.ecosecretariat.org](http://WWW.ecosecretariat.org) & *ECO Bulletin on Environment & WDI*

*ASEAN Trade Database (compiled from data submission websites of ASEAN member Countries National statistical offices and other relevant government agencies.*

*Arab monetary Fund- foreign Trade of Arab countries & PC-TAS (personal computer trade analysis system)*

<http://www.worldbank.org>

<http://www.indo.com>

## The Study of Trade Creation and Trade Diversion in the Selected Asian Trade Organizations

*Ebrahim Hosseini Nasab*<sup>۱</sup>

*Samira Motaghi*<sup>۲</sup>

*Afshin Motaghi*<sup>۳</sup>

### Abstract:

*The expansion of regional trade arrangements has been coincided with the growing trend in globalization. The importance of these regional trade arrangements have grown to that extent that now many countries in developing region have considered it as an alternative option to integrating into world economy and thus boosting their foreign trade and ensuring the mutual gain for the member countries. The very objectives of these regional trade arrangements are to reduce tariff barriers and to be the cause of increase in social welfare.*

*But looking at the negotiations that are underway, a question that arise is that whether the formation of such trade unions, in particular in developing regions has been in line with the objective of boosting trade within member countries ?and also whether growth of intra trade has brought about growth in trade with non member countries or not? If regional trade agreements bring about increase in intra trade it is the case for trade creation but if it comes at the cost of reducing trade with non-member countries it is the case for trade diversion.*

*Trade creation works towards the welfare improvement but trade diversion causes the loss of welfare .This paper has attempted to measure the trade creation and trade diversion in regional grouping of countries in Asia. To do so, three known Asian regional organizations namely, the Economic Cooperation Organization (ECO), Gulf Cooperation Council (GCC) and association of south East Asian nations (ASEAN) have been selected for this purpose. Towards this ends the paper has utilized an extended version of a relatively well known gravity model to measure trade creation*

*and trade diversion in these country groupings. Data used in this study covers the period of ۲۰۰۲-۲۰۰۶. The findings of this study indicate that over the period under investigation all the three regions have revealed trade diversion*

**JEL:** F۰۲ , F۱۵ , F۱

**Keywords:** Trade Diversion, Trade Creation, Welfare.

---

<sup>۱</sup>. Faculty Member, Department of Economics, Tarbiat Modares University,  
Email: hoseinie@modares.ac.ir

<sup>۲</sup>. Graduate Student, Department of Economics, Tarbiat Modares University,  
gmail.com @Email: samira.motaghi

<sup>۳</sup>. Graduate Student, Department of Geography, Tehran University  
Email:afshin\_mottaghi@yahoo.com